

پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان^۱

مراد یاری دهنوی^۲

فاطمه ابراهیمی شاه‌آبادی^۳

چکیده

هدف از تدوین این مقاله، تبیین و تحلیل مفهوم تربیت جنسی و موانع و راهکارهای مربوط به آن از منظر کارشناسان تربیتی مدارس متوسطه شهر کرمان است. در این راستا بر اساس روش پدیدارشناسی و شیوه نمونه‌گیری هدفمند، تجربه زیسته ۱۲ نفر از مشاوران، معاونان پرورشی و دبیران دینی مدارس از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چهار مؤلفه اصلی تربیت (تبیین، ارائه معیار، تحرک درونی و نقادی) که وجه ممیزه تربیت از شبه‌تربیت است، به درستی تحقق نیافته است. از دلایل نامطلوب بودن تربیت جنسی در جامعه، دو عنصر مهم «عامل نبودن متصدیان تربیت به اصول اخلاق جنسی» و «ضعف شدید در میزان آگاهی آن‌ها از نحوه تحقق تربیت جنسی» است. لازم به ذکر است به دلیل عملکرد نامطلوب مسئولان تربیت در زمینه تبیین (مؤلفه اول تربیت) که دارای عناصری همچون (ویژگی‌های تبیین‌کننده، شناخت مخاطب و روش‌های تبیین) است، سایر مؤلفه‌ها نیز به درستی شکل نگرفته‌اند.

واژگان کلیدی

تربیت جنسی، کارشناسان تربیتی، پدیدارشناسی، دانش‌آموزان

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۴

myaridehnavi@gmail.com

۲- استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید باهنر کرمان

febrahimi53@gmail.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه کرمان (نویسنده مسؤل)

۱- بیان مسئله

انسان، موجودی ذوابعاد بوده و دارای توانایی‌ها و غرایز متفاوتی است. از این رو باید در شرایطی رشد کند که همه ابعاد وجودی و توانایی‌هایش شکوفا شده و بتواند غرایزش را تحت کنترل خود درآورد. این خودشکوفایی و خودکنترلی از تربیت او حکایت دارد. «تربیت» از نظر لغوی، به معنای «به فعلیت رساندن»، «شکوفا کردن» و «پرورش دادن» است و از نظر تعریف، شکوفا کردن و به فعلیت رساندن یا پرورش دادن استعداها است. از آنجا که انسان در هنگام تولد، استعداد و نیروهای مختلفی به صورت نهفته و آشکار دارد و ابعاد مختلف جسمی، عقلی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی - دینی‌اش باید در پرتو تربیت به شکوفایی برسد، می‌توان گفت که انسان در هنگام تولد، یک حیوان بالفعل و یک انسان بالقوه بوده و انسانیت او منوط به تربیت او است. از این منظر، تربیت هرگز به معنای خلق توانایی و استعداد نیست؛ بلکه نوعی مراقبت از رشد طبیعی متربی است (علوی، ۱۳۸۶).

یکی از نکاتی که در رشد طبیعی متربی باید مد نظر مربي قرار بگیرد، توجه به کیفیت رشد غرایز و تمایلات طبیعی او است. از مهمترین تمایلات طبیعی انسان می‌توان به «غریزه جنسی» اشاره کرد که دو جنس مخالف را به صورت ناخودآگاه به سوی یکدیگر سوق می‌دهد (قاسمی، ۱۳۷۳). این غریزه با توجه به افزایش سن و شرایط زندگی، به مرور زمان دچار تغییراتی شده و چه بسا اگر به درستی کنترل و مهار نشود، امکان به انحراف کشیده شدن فرد و از بین رفتن سلامت جسمی و روحی او وجود دارد. از این رو آگاهی نسبت به مسائل جنسی، ضروری بوده و باعث تغییر در زندگی انسان می‌شود. فقدان دانش جنسی یا اطلاعات نادرست نیز، زمینه‌ساز اختلالات جنسی در افراد خواهد شد (سلیمی و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۱).

تربیت جنسی، شامل عادات و روش‌هایی است که منجر به حفظ حیا، وفاداری، خویشتن‌داری و ... در فرد می‌شود و هدف از آن در اسلام، شرح اعمال جنسی نیست؛ بلکه هدف، آگاهی بخشیدن در جهت برخورد مناسب با آن است که در آینده موجب محبت و انس به همسر شده و فرد ضمن حفظ عفت و کرامت انسانی خود، از لذات معنوی اخروی نیز بهره‌مند می‌شود (نصیری و جعفری، ۱۳۸۹). «در کتاب‌های پزشکی همگانی، تربیت جنسی اغلب در مفهوم آموزش جنسی است؛ اما تربیت جنسی، مفهوم بسیار وسیع‌تری دارد. تربیت نه تنها احساس جنسی را در بردارد، بلکه دارای خصوصیت رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی است» (کوچنکوف و لا پیک، ۱۳۶۴، ص ۶).

تربیت جنسی به لحاظ اهمیتی که گفته شد، از جنبه‌های مختلف، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. زنداونیان و شمشادی (۱۳۸۹) توجه به تربیت جنسی زنان را در ۴ دوره قبل از بلوغ، دوران بلوغ، دوران تأهل و دوران یائسگی ضروری دانسته‌اند. رهنما و همکارانش (۱۳۸۶) نیز در

پژوهشی، ۱۰ مبنا، ۲۰ اصل و ۹۶ روش در تربیت جنسی استخراج کرده‌اند و صحت یافته‌هایشان به تأیید ۱۵ نفر از اساتید حوزه و دانشگاه رسیده است. در باب عوامل لازم برای تحقق تربیت جنسی، سلحشور (۱۳۸۴) بر نقش مهم والدین در پرورش رفتارهای جنسی فرزندان تأکید دارد.

در مورد وضعیت تربیت جنسی در جامعه، پژوهش سبحانی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۶) در بررسی تحلیل سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران، نشان می‌دهد که میانگین توجه خانواده‌های شهر تهران در حیطه آگاهی‌های جنسی در تربیت جنسی، حیطه اخلاق جنسی و آینده جنسی در تربیت، پائین‌تر از حد متوسط است. فرمهبینی (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی، صاحب‌نظران حوزه تربیتی، دینی و مشاوران را به ارائه راهکارهای مناسب در تربیت جنسی، با توجه به مقتضیات سنی و زمانی افراد فرا می‌خواند.

پژوهش‌های مذکور نشان می‌دهد که مبحث تربیت جنسی از منظرهای گوناگونی مورد نظر پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما این پژوهش به دنبال آن است که با رویکردی کیفی و نگاهی کلی‌تر، تجربه زیسته کارشناسان تربیتی در مدارس (مشاوران، کارشناسان دینی و پرورشی) را درباره مؤلفه‌هایی از تربیت جنسی همچون معنا و مفهوم زیسته آن‌ها از تربیت جنسی، ویژگی‌های فرد تربیت‌یافته جنسی، ارزیابی عملکرد مسئولان و راهکارهای پیشنهادی آن‌ها برای بهبود وضعیت تربیت جنسی را مورد واکاوی قرار دهد و با دیدی بازتر به این مسئله بپردازد. برای رسیدن به این مقصود، ۴ مؤلفه اصلی تربیت مورد توجه قرار گرفته است.

«تبیین»، «ارائه معیار»، «تحرك درونی» و «نقادی»، چهار مؤلفه اصلی تربیت است که وجه ممیزه تربیت از شبه‌تربیت به حساب می‌آید. منظور از تبیین این است که فرد، نسبت به تغییراتی که قرار است در او ایجاد شود، بصیرت و آگاهی یابد. به این ترتیب مربی تنها به ایجاد تغییر در رفتار و حالات فرد نمی‌پردازد؛ بلکه باید علاوه بر آن، نسبت به این تغییرات، بینشی در فرد فراهم آورد تا شخص، علت انجام کاری که نسبت به آن امر یا از آن نهی شده را دریافته و نوعی بصیرت در فرد نسبت به چرایی یا حکمت تغییری که قرار است در او رخ دهد، به وجود آید. از دل چنین بینشی است که معیارها ارائه می‌شود.

دومین مؤلفه اساسی در تربیت، ارائه معیارهاست. مربی با در اختیار داشتن معیارها، نه تنها می‌تواند دلیل تغییر در رفتارهای خود را بفهمد؛ بلکه می‌تواند وضعیت‌های مطلوب را از نامطلوب تشخیص دهد. پس از ارائه معیارها، سومین مؤلفه تربیت، یعنی «تحرك درونی» در فرد ایجاد می‌شود. تحرك درونی فرآیندی است که در آن، فرد انگیزه‌های عمل خود را به صورت روشن و بارز ملاحظه می‌کند؛ به طوری که می‌توان گفت به یک نوع برخورداری از درون رسیده است. از این

منظر، تربیت فرآیندی است که سرانجام تحول درونی در فرد رخ می‌دهد و او با انگیزه‌ای روشن، می‌داند که چگونه رفتار کند، چگونه بیندیشد و چه ویژگی‌هایی داشته باشد. در این مرحله است که ارزش‌ها در حوزه تربیت، درونی شده و همین درونی بودن، حرکت به سوی آن‌ها را سهل و آسان کرده و زمینه را برای چهارمین مؤلفه تربیت، یعنی «نقادی» فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، پس از تبیین و ارائه معیار، انگیزه درونی به سوی عمل در فرد شکل گرفته و او آمادگی نقادی پیدا می‌کند. معیارها نقش مهمی در نقادی دارند؛ چرا که ارزیابی و نقادی برحسب مطابقت موقعیت‌ها، با معیارها شکل می‌گیرد» (باقری، ۱۳۷۹).

آنچه در این مقاله مدنظر است، تبیین مفهوم تربیت جنسی و وضعیت آن در جامعه کنونی با توجه به دیدگاه کارشناسان تربیتی شاغل در مدارس و تحلیل یافته‌های پژوهش بر اساس ۴ مؤلفه ذکر شده است. از این رو پرسش‌های ذیل در مصاحبه‌ها طرح شده است:

- ۱- معنا و مفهوم تربیت جنسی و ویژگی‌های فرد تربیت‌یافته جنسی از منظر شما چیست؟ این ویژگی‌ها چگونه در فرد به وجود می‌آید؟
- ۲- وضعیت تربیت جنسی در جامعه دانش‌آموزی و بزرگسال چگونه است و چه عوامل و زمینه‌هایی در پیدایش این وضعیت نقش داشته است؟
- ۳- به نظر شما، رسالت مسئولان تربیت جنسی (خانواده، مدرسه، رسانه و ...) در این حوزه چیست؟
- ۴- چه انتقادهایی بر عملکرد و نحوه هماهنگی و همکاری آنان با هم وارد است؟ (چه موانعی در این زمینه وجود دارد و چه اشتباهاتی رایج است؟)
- ۵- شما چه راهکارهایی برای بهبود وضعیت تربیت جنسی افراد در جامعه، پیشنهاد می‌کنید؟

۲- روش

این پژوهش، پژوهشی کیفی از نوع پدیدارشناسی است. هرسول، پدیدارشناسی را روشی برای تحلیل پدیدارها می‌داند و پدیدار نیز امری است که می‌تواند به تجربه انسان درآید. پدیدارشناسی، نوعی از پژوهش تفسیری است که کانون توجه و تمرکز آن، برداشت و تجربه انسان از پدیده‌ها است (کستی آرای و همکاران، ۱۳۸۸). در این پژوهش، تجربه زیسته ۱۲ نفر از مشاوران، دبیران دینی و معاونان پرورشی مدارس دوره دوم متوسطه شهر کرمان در مورد تربیت جنسی در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳، از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته، جمع‌آوری شده است. هر مصاحبه نیز با تعیین وقت قبلی در مدارس محل کار افراد نمونه پژوهش انجام شده است. به دلیل اینکه افراد نمونه پژوهش، راضی به ضبط مصاحبه‌ها نبوده و مصاحبه‌ها همزمان یادداشت می‌شد، هر مصاحبه، یک ساعت و نیم تا دو

ساعت زمان برده است. لازم به ذکر است که یادداشت‌ها به صورت خواناتر در اولین فرصت ممکن مجدداً بازنویسی شده و در اختیار نویسنده همکار قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل کدگذاری باز و محوری استفاده شده است. همچنین برای تأمین اعتبار یافته‌ها، یافته‌های پژوهش در اختیار تعدادی از افراد نمونه پژوهش قرار گرفته تا صحت آن‌ها تأیید شود.

۳- یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش، نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده است. پس از بازنویسی مجدد مصاحبه‌ها، در آغاز کدگذاری باز و سپس کدگذاری محوری صورت گرفته و به هر فرد مصاحبه‌شونده، یک عدد اختصاص یافته است. در کدگذاری باز (آزاد)، ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها، اختصاص داده شده و این رمزها در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی می‌شوند. به این فرایند، رمزگذاری آزاد^۱ گفته می‌شود. در کدگذاری محوری نیز پژوهشگر با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت کدگذاری‌های باز و یافتن پیوندهای میان آن‌ها، نسبت به رمزگذاری محوری اقدام می‌کند (پورکریمی، ۱۳۹۰).

نمونه‌ای از کدگذاری باز و محوری:

«وضعیت تربیت جنسی در مدارس، مطلوب و متناسب با زمانه نیست. ما تقریباً دو دهه قبل نیاز به گفتن برخی مسائل نداشتیم؛ اما حالا به این شکل نیست» (مصاحبه شونده ۱).

کد باز استخراج شده از سخن مصاحبه‌شونده:

«متناسب نبودن محتوای تربیت جنسی با نیازهای دانش‌آموزان»

کد محوری:

یکی از ابعاد تربیت جنسی، محتوای تربیت است.

جدول ذیل نشان‌دهنده کدگذاری محوری است که از متن تمام مصاحبه‌ها به دست آمده است. در این جدول فقط به ذکر مقوله‌های اصلی و فرعی بسنده شده و از ذکر خرده مقوله‌ها به دلیل کثرت و تعدد، صرف‌نظر شده است. این در حالی است که در متن مقاله، به آن‌ها اشاره کرده‌ایم.

جدول شماره (۱). جدول کدگذاری محوری

مقوله اصلی	مقوله فرعی
مفهوم تربیت جنسی	بعد فردی
	بعد اجتماعی
ابعاد تربیت جنسی	زمان تربیت
	محتوای تربیت
	مکان تربیت
	روش تربیت
عوامل زمینه‌ساز انحراف جنسی	عوامل زمینه‌ساز انحراف جنسی در دانش‌آموزان
	عوامل زمینه‌ساز انحراف جنسی در بزرگسالان
مسئولان تربیت جنسی	والدین
	اولیاء مدرسه
	کارکنان دانشگاه
	نهادهای فرهنگی (سازمان تبلیغات، کانون فرهنگی و ...)
	رسانه‌ها

۳-۱- سؤال اول: به نظر شما، معنا و مفهوم تربیت جنسی و ویژگی‌های فرد تربیت‌یافته جنسی

چیست؟ این ویژگی‌ها در چه صورت در فرد به وجود می‌آید؟

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سؤال فوق، تربیت جنسی را مفهومی دانسته‌اند که باید در بعد فردی و اجتماعی تحقق پذیرد. آگاهی فرد از حکمت آفرینش این غریزه، دانستن اثرات مثبت و منفی جسمی و روحی آن، توانایی خویش‌داری و عفاف، رعایت حلال و حرام‌های شرعی در این زمینه، پرهیز از پنهان کاری هنگام مواجهه با مشکل، کسب مهارت خودمراقبتی در مقابل بیماری‌ها و انحرافات جنسی مانند خودارضایی و علم فرد به مراحل رشد جنسی خود را نشان‌دهنده تربیت جنسی در بعد فردی قلمداد کرده‌اند.

در بعد اجتماعی نیز، آگاهی فرد از نحوه ارتباط با جنس مخالف، احترام به حریم خصوصی دیگران، دوستی با افراد پایبند به اخلاقیات و علم به تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی، زیستی و فرهنگی بر تربیت جنسی را، نمونه‌هایی از مصادیق تربیت جنسی افراد در بعد اجتماعی دانسته‌اند. به باور مصاحبه‌شوندگان، فردی که نسبت به موارد مذکور آگاهی کافی داشته باشد، به مرحله‌ای می‌رسد که می‌تواند به تنهایی و بدون نیاز به نظارت بیرونی، از خودش مراقبت کرده، غریزه‌اش را به راحتی کنترل کند و در

نتیجه برای نقش (همسر و مادر و پدر شدن) که باید در بزرگسالی پذیرا باشد، آماده شود. البته برای تحقق این ویژگی‌ها در افراد، باید به مواردی از جمله زمان و مکان تربیت و روش‌ها و محتواهای مناسب نیز توجه داشت.

طبق نظر مصاحبه‌شوندگان، بهترین زمان برای تربیت جنسی، دوره کودکی و بهترین مکان، محیط خانه است. همچنین اولین مسئولان تربیت جنسی نیز، والدین هستند. بعد از محیط خانه، آموزه‌های مدرسه و دانشگاه، رسانه‌ها و جامعه در تربیت جنسی افراد مؤثر بوده و همه اولیای مدرسه، کارکنان دانشگاه‌ها، مسئولان رسانه‌های جمعی و به طور کلی تمام افراد جامعه نسبت به تربیت جنسی یکدیگر مسئول بوده و باید نسبت به محتوا و روش آموزش، آگاهی کافی داشته باشند. محتوای آموزشی در این زمینه نیز باید مطابق با سن افراد بوده، از جامعیت لازم برخوردار باشد و متناسب با هر سنی از روش خاصی استفاده شود. برای مثال، آموزش برخی مسائل در دوره کودکی باید به صورت غیرمستقیم بوده و والدین از تنبیه بدنی، بازداری‌های مکرر و ترساندن فرزندان خود پرهیز کنند. همچنین نباید رفتارهای نادرست در این زمینه را در حضور فرزند خود نقد کنند و مهمتر از همه، خودشان باید از لحاظ اخلاقی پایبند بوده و به صورت عملی، الگویی نیک برای فرزندان‌شان باشند.

نمونه‌ای از سخنان افراد نمونه پژوهش:

الف - تربیت در بعد فردی

«تربیت جنسی یعنی اینکه فرد، هدف از آفرینش غریزه جنسی را درک کرده و بداند که این نیرو از لحاظ روحی و جسمی، چه تأثیری بر زندگی‌اش دارد» (مصاحبه‌شونده ۳).

ب - تربیت جنسی در بعد اجتماعی

«فرد تربیت‌یافته جنسی، همانطور که برای حفظ حریم خصوصی خود می‌کوشد، نسبت به حفظ حریم خصوصی دیگران نیز تلاش می‌کند» (مصاحبه‌شونده ۵).

ج - زمان و مکان تربیت جنسی

«غریزه جنسی یک نیاز است که در هر فردی وجود دارد و آموزش‌های مربوط به آن، قبل یا بعد از موعد، چندان اثربخش نیست» (مصاحبه‌شونده ۷). «تربیت باید از همان زمان کودکی در محیط خانه و توسط والدین انجام شود» (مصاحبه‌شونده ۶).

د - روش تربیت

«در دوره کودکی، آموزش‌ها باید به صورت غیرمستقیم باشد. به عنوان مثال برای فهماندن حفظ حریم خصوصی، تعویض لباس کودک را در اتاقی دور از دید سایر اعضای خانواده انجام دهیم. این گونه رفتار به کودک می‌فهماند که در برخی مواقع دیگران حق ندارند بدن او را ببینند» (مصاحبه‌شونده ۹).

«باید محدوده پاسخگویی به سؤالات بچه‌ها و روش آن را با توجه به سن افراد بدانیم؛ چرا که میزان رشد افراد از لحاظ بلوغ جنسی متفاوت است. من برخی مسائل را کلاس به کلاس یا به صورت فردی مطرح می‌کنم» (مصاحبه‌شونده ۴).

ه- لزوم آگاهی بخشیدن به فرد

«من تجربه کار در مدارس مختلفی را داشته‌ام. تجربه نشان می‌دهد مدارس که بچه‌هایشان آگاه‌تر هستند، آسیب‌هایشان نیز کمتر است. چند سال پیش دانش‌آموزی داشتم که یکی از مسائل دوره بلوغ برایش اتفاق افتاده بود. اطلاعات غلطی که دوستش به او داده بود، باعث ایجاد اضطراب و نگرانی در وی شده بود؛ به گونه‌ای که به من مراجعه کرد و گفت من قصد خودکشی داشتم. این موارد نشان‌دهنده لزوم آگاهی بخشیدن به بچه‌ها است» (مصاحبه‌شونده ۳).

از سخنان مصاحبه‌شوندگان، چنین استنباط می‌شود که اولین قدم در تربیت جنسی، تبیین این مسئله با توجه به سن فرد و با استفاده از روش‌های صحیح آن است. داشتن آگاهی کافی والدین، اولیاء مدرسه و سایر مسئولان نسبت به زمان، مکان، روش و محتوای مناسب برای تربیت جنسی، الزامی است. آگاهی افراد مذکور و آگاه کردن متربیان نسبت به برخی مسائل و فهماندن حکمت رعایت آن‌ها با توجه به مقضیات سنی، فرد را در مسیر درست تربیت جنسی قرار می‌دهد. این گونه آگاه‌سازی متربی و آگاه بودن مربی نسبت به ابعاد مختلف تربیت جنسی (زمان، روش و محتوای تربیت)، نشان از تحقق اولین مولفه تربیت، یعنی «تبیین» دارد.

۲-۳- سؤال دوم: وضعیت تربیت جنسی در جامعه دانش‌آموزی و بزرگسال، چگونه است و چه عوامل و زمینه‌هایی در پیدایش این وضعیت نقش داشته است؟

به نظر همه مصاحبه‌شوندگان، مواردی از قبیل افزایش گرایش افراد مجرد و متأهل به ارتباط با جنس مخالف، وجود زنان خیابانی و دختران فراری در جامعه، افزایش طلاق به دلیل خیانت همسران و گسترش بیماری‌های ناشی از انحرافات جنسی، نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب تربیت جنسی در جامعه است که عوامل متعددی در پیدایش آن دخیل است. مصاحبه‌شوندگان، عملکرد نامناسب مسئولان تربیت اعم از والدین، کارکنان مدرسه، کارکنان دانشگاه، رسانه‌ها و سایر نهادهای فرهنگی را از جمله عوامل ایجاد این وضعیت ذکر کرده‌اند؛ اما نقش والدین و اولیاء مدرسه را در شکل‌گیری این وضعیت، پررنگ‌تر دانسته‌اند. این عملکرد نامناسب باعث شده که متربیان به دلیل فقدان آگاهی لازم، به انتخاب الگوهای نامناسب، انجام رفتارهای پرخطر، کسب اطلاعات از طریق افراد ناآگاه، کتب و فیلم‌های نامناسب و تقلید و تأثیرپذیری از افراد مختلف و دوستان خود روی آورند. آنان در مورد دلایل اینکه چرا عملکرد خود والدین یا اولیاء مدرسه نامناسب است نیز، به نکات قابل

توجهی اشاره کرده‌اند. به باور افراد نمونه پژوهش، ریشه عملکرد نامناسب والدین، یا به آگاهی نداشتن از روش‌های تربیتی یا به تربیت نادرست خود والدین باز می‌گردد. آنچه نشان از آگاهی نداشتن والدین نسبت به روش‌های صحیح تربیتی دارد، مواردی از قبیل بی‌توجهی به رفتارهای نادرست فرزند، نداشتن ارتباط عاطفی با او، سخت‌گیری نابجا، بازدارنده‌های بی‌مورد و آگاه نکردن فرزند در مواقع لازم است.

مواردی از قبیل فساد اخلاقی والدین، تماس‌های بدنی نامناسب در حضور فرزند، اهل مطالعه نبودن و همسو نبودن با آموزه‌های مدرسه و حتی جبهه‌گیری در مقابل این آموزه‌ها نیز نمونه‌هایی از معضلات اخلاقی والدین به عنوان اولین و مهمترین مریبان فرزندان است. پس از والدین، اولیاء مدرسه نقش مهمی در تربیت افراد دارند؛ اما اهمال برخی مسئولان مدرسه مانند مدیر و مشاور نیز در شکل‌گیری انحراف در جامعه دانش‌آموزی تأثیرگذار است. بر اساس نظرات مصاحبه‌شوندگان، نبود هماهنگی بین برخی مدیران با مشاوران مدرسه در ارتباط با نحوه برخورد صحیح با خطای دانش‌آموز، رازدار نبودن مشاور، کم بودن اطلاعات مشاور، ارتباط برقرار نکردن با دانش‌آموز و مخالفت برخی مدیران با عملکردهای قانونی مشاور (آموزش برخی مسائل لازم و مورد نیاز نسل امروز که از نظر مدیر یا عرف جامعه، تابو محسوب می‌شود، اما آموزش آن‌ها از نظر مشاور الزامی است) نمونه‌ای از عملکردهای نامناسب برخی اولیاء مدرسه است که در شکل‌گیری یک رفتار نامناسب یا تقویت آن رفتار در دانش‌آموز نقش بسزایی دارد. از دیگر زمینه‌های تحقق نیافتن تربیت جنسی مطلوب در جامعه، توجه نداشتن به رسالت‌ها در حوزه تربیت جنسی از سوی مسئولان برخی نهاد‌های آموزشی، رسانه‌ها و نهاد‌های فرهنگی است.

نمونه‌ای از سخنان مصاحبه‌شوندگان:

الف- نقش والدین در انحراف فرزند

«بعضی اوقات، خود والدین زمینه‌ساز انحراف فرزندانشان می‌شوند. بعضی والدین، خود فساد اخلاقی دارند و فرزندانشان نیز از این موضوع مطلع هستند. دانش‌آموزی داشتم که از فساد اخلاقی پدر خود صحبت می‌کرد» (مصاحبه‌شونده ۴).

ب- نقش اولیاء مدرسه در انحراف دانش‌آموز

«برخی مشاوران رازدار نیستند و این قضاوت در ذهن بچه‌ها وجود دارد که مشاور بلافاصله خانواده‌ها را در جریان قرار می‌دهد. این رازدار نبودن برخی مشاوران باعث می‌شود که دانش‌آموزان مشکلاتشان را مطرح نکنند» (مصاحبه‌شونده ۵).

«در جلسه‌ای که از طرف هسته اداره مشاوره تشکیل شده بود، از مشاوران خواسته شد که درباره برخی مسائل، بی‌پرده با بچه‌ها صحبت کنند. وقتی این موضوع را با مدیر در میان گذاشتم، با این

استدلال که این حرف‌ها منجر به بی‌حیا شدن بچه‌ها می‌شود، مانع گفتن آن مطالب شد؛ در حالی که مطرح شدن آن‌ها با توجه به مسائل فعلی جامعه، لازم و ضروری بود» (مصاحبه‌شونده ۶).

ج- نقش رسانه‌ها

«رسانه‌ها به موقع مردم را آگاه نمی‌کنند. به عنوان مثال در مورد برنامه‌های شبکه‌های فارسی زبان ماهواره، اطلاعات کافی به مردم داده نشده و ریشه بسیاری از طلاق‌ها و گرایش افراد متأهل به ارتباط با جنس مخالف، از پیامدهای تماشای همین برنامه‌ها و تأخیر رسانه‌ها در آگاه‌سازی است» (مصاحبه‌شونده ۱۰).

آنچه بیان شد نشان می‌دهد که عملکرد نادرست مسئولان تربیت به ویژه والدین و اولیاء مدرسه، نقش مهمی در شکل‌گیری انحراف یا تقویت آن در متربیان دارد. عمده‌ترین مشکل مسئولان تربیت، آگاهی کافی نداشتن نسبت به موضوع تربیت جنسی و ابعاد آن است. مشکلات ذکر شده نشان می‌دهد اولین مؤلفه تربیت یعنی «تبیین» و «عناصر آن»، آنگونه که باید، تحقق نیافته است. «تبیین» به عنوان اولین مؤلفه تربیت دارای سه عنصر «تبیین‌کننده»، «مخاطب» و «شیوه‌های تبیین» است که در هر کدام از این عناصر باید نکاتی رعایت شود تا تبیین در معنای حقیقی خود (پیدایش بصیرت در فرد نسبت به چرایی انجام یا ترک فعل) تحقق پذیرد.

۳-۳- سؤال سوم: به نظر شما، رسالت مسئولان تربیت جنسی (از قبیل خانواده، مدرسه، رسانه و ...) در این حوزه چیست؟

بنا به سخنان مصاحبه‌شوندگان، همه افراد در جامعه مسئول هستند؛ اما درجه مسئولیت آن‌ها با هم فرق دارد. والدین، اولین و مهمترین مسئولان تربیت جنسی افراد به حساب می‌آیند. پس از آن‌ها، کارکنان نهادهای آموزشی رسمی (مدرسه و دانشگاه) و کارکنان سازمان‌هایی مانند وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات، کانون‌های فرهنگی، استانداری، شهرداری و به طور کلی تمام کارکنان نهادهای دولتی و غیردولتی در این زمینه وظایفی به عهده دارند که نباید بین آموزه‌های این نهادها با یکدیگر، تعارض و تفاوتی وجود داشته باشد؛ چرا که اگر مربی در محیط خانه و مدرسه چیزی بیاموزد و نقطه مقابل آن را در جامعه ببیند، دچار دوگانگی شده و احتمال دارد به تقلید از رفتارهای نادرست موجود در جامعه بپردازد. از این رو به اعتقاد افراد نمونه پژوهش، تمام نهادها باید در این زمینه هماهنگ عمل کرده و به تربیت افراد مجموعه تحت پوشش خود، اعم از دانش‌آموزان، دانشجویان، کارکنان رسمی دولت و صنف‌های مختلف جامعه (مشاغل آزاد) بپردازند.

مهمترین وظیفه والدین به عنوان اصلی‌ترین مسئولان تربیت، تبیین این مسئله به تناسب سن فرزند است. آگاهی بخشیدن به فرزند، نظارت بر همبازی‌ها و دوستان او، برقراری ارتباط عاطفی،

تلاش برای پرورش حیا در فرزند، پاک نگه داشتن فضای خانه از رفتارهای نامناسب، رعایت حریم‌ها در منزل توسط والدین، یاد دادن حریم خصوصی به فرزند و نحوه مراقبت از آن و توجه به روحيات و رفتارهای فرزند، از جمله رسالت‌های مهم والدین در باب تربیت جنسی فرزندان است.

اولیاء مدرسه نیز در زمینه تربیت جنسی دانش‌آموزان و پیشگیری از انحرافات جنسی آن‌ها، وظایفی به عهده دارند که با انجام کارهایی از قبیل تقویت ارتباط عاطفی با دانش‌آموزان، جنبه علمی بخشیدن به آموزه‌های والدین در مدرسه از طریق دعوت از کارشناسان، نظارت بر رفتارهای دانش‌آموزان و داشتن عکس‌العمل مناسب در مقابل رفتارهای پرخطر آن‌ها، می‌توانند به وظایف خود در این زمینه عمل کنند. آخرین حلقه آموزش رسمی افراد، نهادی به نام دانشگاه است. مسئولان و اساتید دانشگاه به عنوان مسئولان تربیت باید آگاه‌سازی دانشجویان را در قالب ارائه برنامه‌های آموزشی به صورت مختلط و جداگانه، دعوت از کارشناسان خبره، اضافه کردن واحد درسی در زمینه تربیت جنسی به برنامه درسی دانشجویان، فراهم کردن فضایی برای نقد تربیت جنسی در دانشگاه و جامعه و مشخص کردن محدوده تعامل و ارتباط میان افراد در دانشگاه را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تربیت جنسی افراد، رسانه‌ها (اعم از فیلم‌ها، شبکه‌های مجازی و ...) هستند. رسانه‌ها می‌توانند با تنظیم برنامه‌ها بر اساس نظر کارشناسان، نظارت بر محتوای فیلم‌ها و استفاده ابزاری نکردن از زنان در تبلیغات تلویزیون برای کسب منافع اقتصادی، بسترهای مناسب را برای تربیت جنسی افراد جامعه فراهم کنند.

نمونه‌ای از سخنان مصاحبه‌شوندگان:

الف- رسالت والدین

«والدین باید برای بهبود رفتارهای خود بکوشند. برای حفظ حیا در فرزندان خود تلاش کرده و مظاهر پرده‌داری و بی‌حیایی را از محیط خانواده حذف کنند» (مصاحبه‌شونده ۱۰).

ب - رسالت اولیاء مدارس

«مدرسه باید با معرفی کتاب یا دعوت از کارشناسان خبره، به آموزه‌های فرزند در محیط خانه، وجهه علمی ببخشد» (مصاحبه‌شونده ۸).

ج- رسالت کارکنان دانشگاه‌ها

«دانشگاه باید به آگاه کردن دانشجویان، تأکید داشته باشد. در زمینه تربیت جنسی، محیط دانشگاه باید سالم باشد، همه از سلامت اخلاقی برخوردار باشند و واحدهای درسی در این رابطه ارائه شود» (مصاحبه‌شونده ۱۰).

د- رسالت رسانه‌ها

«ماهواره، گوشی‌های تلفن همراه و اینترنت، جزء رسانه‌ها به حساب می‌آیند. صدا و سیما به عنوان یک رسانه ملی موظف است تا از طریق کارشناسان خبره، مزایا و معایب همه رسانه‌ها را تبیین کند» (مصاحبه‌شونده ۱۰).

ه- رسالت سایر نهادهای جامعه

«نهادهای فرهنگی باید در راستای تکمیل آموزش‌های خانه و مدرسه عمل کنند تا بچه‌ها شاهد هیچ تعارض و تفاوتی بین آنچه در خانه و مدرسه یاد می‌گیرند، با آنچه در فضای عمومی جامعه رخ می‌دهد، نباشند. نهادهای فرهنگی جامعه باید بر تمام صنف‌ها و مشاغل آزاد نیز نظارت داشته و افراد مجموعه خود را آموزش دهند» (مصاحبه‌شونده ۱).

در راستای هماهنگ شدن آموزه‌های خانه، مدرسه و دانشگاه با آموزه‌های رسانه‌های مختلف و آنچه در فضای جامعه مشهود است، سایر نهادهای فرهنگی و نظارتی (اعم از سازمان تبلیغات، کانون‌های فرهنگی، وزارت ارشاد و ...) نیز، وظایفی به عهده دارند. این نهادها باید ضمن پایبند بودن خود به اخلاقیات، آموزش و آگاه‌سازی مردم و ایجاد احساس مسئولیت همگانی در میان کارکنان خود نسبت به این مسئله، آموزش افراد خطاکار را با رعایت احترام به شخصیت فرد خاطی، مد نظر قرار داده و بر کنترل بی‌اخلاقی‌ها، نظارت مداوم و مستمر داشته باشند تا تربیت جنسی در میان تمام آحاد جامعه تحقق یافته و افراد بین آموزه‌های خانه، مدرسه و دانشگاه با فضای جامعه، شاهد هیچ تعارض و دوگانگی خاصی نباشند.

در پاسخ به سؤال‌های قبلی مشخص شد که اولین گام در تربیت جنسی، تبیین است که خود از سه عنصر «تبیین‌کننده»، «مخاطب» و «روش‌های تبیین» تشکیل شده است. در این سؤال نیز رسالت وظایف مسئولان تربیت بیان شد. لذا با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت که اگر همه مسئولان تربیت به وظایف خود آگاه بوده و به آن‌ها عمل کنند، قطعاً دومین مولفه تربیت (ارائه معیار)، تحقق خواهد یافت و متریبان می‌توانند بر اساس آن معیارها، رفتار درست را برگزینند.

۴-۳- سؤال چهارم: چه انتقاداتی بر عملکرد و نحوه هماهنگی و همکاری مسئولان تربیت با هم وارد است؟ (چه اشتباهات و موانعی در این زمینه وجود دارد؟)

انتقادهای افراد نمونه پژوهش که خود نیز جزء مسئولان تربیت جنسی هستند، شامل دو بخش می‌شود. بخشی از سخنان آن‌ها به اشتباهات رایج در امر تربیت جنسی باز می‌گردد و بخش دیگر به موانع و محدودیت‌هایی که مانع تحقق تربیت جنسی افراد می‌شود، اشاره دارد. احساس نیاز نکردن والدین به آموزش در این زمینه، نبود فرهنگ مراجعه به مشاور در خانواده‌ها،

محول کردن وظایف خود (والدین) به مدرسه و بالعکس، نبود ارتباط میان خانواده و دانشگاه، چشم‌پوشی بیجای والدین از انحرافات فرزند، همراه شدن برخی والدین با بی‌اخلاقی‌های فرزندان به جای آموزش و اصلاح آن‌ها، ارائه آموزش‌ها به والدین به صورت مقطعی و موقتی (مانند مشاوره قبل از ازدواج به جای آموزش‌های مدون و پایه‌ای)، بی‌توجهی به تقدم اصل پیشگیری مقدم بر درمان در امر تربیت جنسی، اغماض برخی مسئولان نسبت به واقعیت‌های نامطلوب جنسی در جامعه، کتمان برخی مسائل ضروری و آموزش ندادن آن‌ها به دلیل پیش‌فرض‌های نادرست ذهنی (به عنوان مثال ترس از بی‌حیا شدن افراد) از جمله اشتباهات رایج در امر تربیت جنسی در جامعه است که مصاحبه‌شوندگان با ذکر مصادیق عینی، به آن‌ها اشاره کرده‌اند.

در بخش موانع و محدودیت‌ها در تربیت جنسی، چون افراد نمونه پژوهش، شاغل در آموزش و پرورش هستند، از زاویه کار و تجربه خود به نقد این موضوع پرداخته‌اند. بنا به تجربه این افراد، از یک سو تابو محسوب شدن برخی آموزش‌های لازم در مدرسه و مخالفت مدیر و بعضی خانواده‌ها با بیان این مسائل و نبود محتوای آموزشی وزارتی مدون در این زمینه، تربیت جنسی از طریق مدارس را با محدودیت‌ها و مشکلاتی مواجه کرده است. همچنین از سوی دیگر، تفاوت سنی و بلوغ جنسی دانش‌آموزان، متناسب نبودن محتوای رسمی آموزشی با مشکلات دانش‌آموزان، کم بودن ساعات کار مشاور مدرسه و گنجانده نشدن واحد درسی در این زمینه، از جمله عوامل محدودیت‌آفرین در مسیر تربیت جنسی در مدارس است. مصاحبه‌شوندگان بر این باور هستند که در اکثر مواقع بین آموزه‌های مدرسه با محیط خانواده و محیط جامعه، تعارض وجود دارد و همین نبود هماهنگی بین نهادهای مختلف و وجود تعارض‌ها، از موانع مهم تحقق یافتن تربیت جنسی در جامعه است.

یکی از آفات تربیت، وجود دوگانگی در رفتارهای متریبان است. برای نهادینه کردن امور تربیتی در افراد، همه افراد بزرگسال به عنوان اسوه و الگوی کوچک‌ترها باید عملکرد مطلوبی داشته باشند. اسوه، حالتی است که انسان هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند و انسان بسته به اینکه از چه فردی پیروی می‌کند، اسوه نیک یا بدی برای خویش بر می‌گزیند. اسوه‌سازی یکی از روش‌های تربیتی است که در آن هم خود مربی باید اسوه نیکویی برای متریبی باشد و هم باید الگوهای نیک را در معرض دید وی قرار دهد (باقری، ۱۳۸۸). از این رو تمامی والدین، کارکنان آموزشی مدارس و کارکنان نهادهای مختلف به عنوان مسئولان تربیت، به نوعی اسوه دیگران هستند و لازم است که بین رفتارها و گفتارهایشان هماهنگی وجود داشته باشد؛ زیرا «برای این که امر تربیت جنسی فرزندان این مرز و بوم به درستی صورت گیرد، باید هماهنگی بین عوامل عمده تربیتی یعنی خانواده، مدرسه و جامعه برقرار باشد» (فرم‌پهنی، ۱۳۸۳، ص ۱۳).

انتقادهای وارده بر عملکرد مسئولان تربیت، نشان از این دارد که مؤلفه‌های تبیین (تبیین‌کننده، مخاطب و روش‌های تبیین) آنگونه که باید و شاید، تحقق نیافته است.

نمونه‌ای از سخنان مصاحبه‌شوندگان:

الف - تعارض‌ها میان مسئولان تربیت

«بین مسئولان تربیت جنسی، هماهنگی وجود ندارد و این هماهنگ نبودن، سبب تعارض می‌شود» (مصاحبه‌شونده ۵).

«وقتی هیچ هماهنگی بین مسئولان تربیت وجود ندارد، افراد شاهد رفتارهای متضاد در جامعه هستند و همین تضادها باعث شکاف بین خانواده‌ها با فرزندانشان خواهد شد. فرزند در خانواده یک موضوعی را می‌آموزد و در جامعه، خلاف آن را می‌بیند» (مصاحبه‌شونده ۳).

ب - عملکرد نادرست اولیاء مدرسه

«برخی مدیران فقط به دلیل پست مدیریت، این سمت را پذیرفته‌اند و بعضی از مشکلات اخلاقی دانش‌آموزان را از طریق هسته مشاوره اداره پیگیری نمی‌کنند؛ چرا که می‌خواهند وانمود کنند در حوزه کاری‌شان، هیچ مشکلی وجود ندارد و همه چیز خوب است تا بتوانند در دوره‌های بعد نیز، بر پست خود باقی بمانند» (مصاحبه‌شونده ۱).

ج - عملکرد نادرست والدین

«یکی از عوامل اصلی انحراف جنسی بچه‌ها، خانواده‌هایشان هستند. برخی دانش‌آموزان از فساد اخلاقی پدر یا مادرشان برایم حرف می‌زنند» (مصاحبه‌شونده ۴).

د - عملکرد نادرست سایر مسئولان تربیت

«استفاده ابزاری از زن به وضوح در رسانه ملی دیده می‌شود. در اکثر برنامه‌های تبلیغی، برای تبلیغ کالاهای مصرفی از زنان زیبا و آرایش کرده با لباس‌های رنگارنگ استفاده می‌شود» (مصاحبه‌شونده ۵).

ه - بی‌توجهی به اصل تقدم پیشگیری بر درمان

«ما وقتی مشکلی شروع می‌شود، تازه به فکر راه حل آن می‌افتیم. در حالی که اول باید پیشگیری کنیم. اغلب کارهای ما در این زمینه، جنبه درمانی دارد و تجربه نشان داده درمان در این مواقع، کم‌تر جواب می‌دهد» (مصاحبه‌شونده ۵).

و) احساس بی‌نیازی به آموزش

«بعضی خانواده‌ها از آموزش لازم برخوردار نیستند و اصولاً نیاز به آموزش را احساس نمی‌کنند» (مصاحبه‌شونده ۲ و ۴).

۳-۵- سؤال پنجم: شما چه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

افراد نمونه پژوهش در پاسخ به این سؤال، بر وجود یک عزم و همت همگانی تأکید کرده و مواردی از قبیل آموزش و آگاهی‌بخشی به تمام اقشار جامعه، نظارت بر عملکرد افراد در جامعه، احساس مسئولیت همه افراد در این زمینه، عمل به وظایف و تلاش برای هماهنگ کردن آموزه‌های تمام نهادها با یکدیگر را در شکل‌گیری تربیت جنسی افراد مؤثر و مفید دانسته و راهکارهای دیگری را نیز ارائه کرده‌اند:

مسئولیت‌پذیری و هماهنگی همه نهادها، تنظیم برنامه آموزشی برای تمام اقشار جامعه اعم از اقشار تحصیل‌کرده و صاحبان مشاغل آزاد، نظارت بر محتوای فیلم‌ها، آموزش خانواده‌ها، آموزش کادر مدرسه و دانش‌آموزان، رسانه‌ای نکردن بی‌اخلاقی‌ها برای جلوگیری از اشاعه فساد، اضافه کردن یک واحد درسی به برنامه درسی مدارس و دانشگاه‌ها، تلاش برای هماهنگ شدن محتوای همه رسانه‌ها، ارائه یک کتاب یا جزوه آموزشی به کادر مدرسه و خانواده‌ها برای راهنمایی دانش‌آموزان، ایجاد احساس نیاز به آموزش در والدین، در الویت قرار دادن آموزش به والدین، مربیان مهدهای کودک و کادر مدرسه، نیازسنجی از دانش‌آموزان و مشاوران برای تنظیم محتوایی تربیت جنسی مورد نیاز، اعمال نظارت بر کارکنان همه نهادها، ایجاد خودکنترلی در افراد از طریق آموزش‌هایی مانند تقویت قدرت نه گفتن و تقویت قدرت تحلیل مسائل، آگاهی‌بخشی به معلمان در راستای معرفی دانش‌آموزان نیازمند مشاوره به مشاور، نظارت بر رفتار کارکنان ادارات مختلف و آموزش دادن به آن‌ها و عمل کردن مسئولان به وظایف خود در این زمینه از جمله راهکارهای کارکنان تربیتی شاغل در مدارس است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با طرح چند پرسش به تبیین تجربه زیسته کارشناسان تربیتی شاغل در مدارس (مشاوران، معاونان پرورشی و دبیران دینی) پرداخته است. مصاحبه‌شوندگان پس از ارائه تعریفی از تربیت جنسی، ویژگی‌های فرد تربیت‌یافته و بیان عوامل مؤثر بر تربیت‌یافتگی اشخاص، به نامطلوب بودن وضعیت تربیت جنسی در جامعه اشاره کرده و با بیان انتقاداتی بر عملکرد مسئولان تربیت، راهکارهایی برای تحقق تربیت جنسی ارائه کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان از این دارد که اولین مؤلفه تربیت (تبیین)، آنگونه که باید و شاید تحقق نیافته و به تبع آن، سایر مؤلفه‌ها نیز به صورت مطلوب شکل نگرفته‌اند. تبیین دارای سه عنصر (تبیین‌کننده، مخاطب و روش‌های تربیت) است. یافته‌های پژوهش در پاسخ به سؤال اول نشان می‌دهد که عناصر تبیین، نقش مهمی در تحقق تربیت جنسی دارد. مسئولان تربیت

در جایگاه تبیین‌کننده (والدین، کارکنان مدارس، کارکنان دانشگاه و مسئولان سایر نهادهای فرهنگی)، هر کدام وظایفی به عهده دارند؛ اما درجه مسئولیت، نحوه برخورد با مخاطب و روش‌های مورد استفاده آن‌ها باید در عین هماهنگی، متناسب با سن و روحیات فردی مخاطبان خود باشد. به اعتقاد تمام مصاحبه‌شوندگان، توجه به مواردی از قبیل زمان، مکان، محتوا و روش‌های تربیت می‌تواند منجر به تحقق تربیت جنسی در ابعاد فردی و اجتماعی شود. به نظر افراد نمونه پژوهش، بهترین زمان برای تربیت جنسی، دوران کودکی، بهترین مکان، محیط خانه و نخستین مسئولان تربیت جنسی، والدین هستند. محتوای آموزشی در این زمینه باید علاوه بر مطابقت با سن مخاطب، از جامعیت لازم نیز برخوردار بوده و به تربیت مخاطب، هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی نظر داشته باشد. برای آموزش محتوا نیز باید از روش‌های صحیح متناسب با مقتضیات سنی مخاطب، استفاده شود.

مصاحبه‌شوندگان پس از بیان نکات فوق، وضعیت تربیت جنسی در جامعه را نامطلوب قلمداد کرده‌اند. پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در بخش دلایل نامطلوب بودن وضعیت تربیت جنسی و انتقادهای وارده بر عملکرد مسئولان تربیت در جامعه، در دو عنصر مهم «عامل نبودن مسئولان تربیت به اصول اخلاق جنسی» و «ضعف شدید در میزان آگاهی آن‌ها از نحوه تحقق تربیت جنسی»، خلاصه می‌شود. به عبارتی دیگر، وجود این دو عامل منجر به نامطلوب شدن وضعیت تربیت در جامعه شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، بخش مهمی از معضلات اخلاقی جامعه ما، به پایبند نبودن برخی مسئولان تربیت به مسائل اخلاقی باز می‌گردد که این موضوع زمینه‌ساز تعارض و تضاد در تربیت جنسی شده است. این در حالی است که بخش مهم دیگر معضلات اخلاقی جامعه ما در نتیجه ناآگاهی مسئولان تربیت از موضوع تربیت جنسی و چگونگی تحقق آن به وجود آمده است.

فساد اخلاقی والدین، استفاده نکردن از روش‌های صحیح تربیتی، نداشتن محتوای آموزشی متناسب با سن افراد، نداشتن قاطعیت در مجازات افراد خاطی، نداشتن نظارت دقیق بر محتوای فیلم‌ها و مواردی که پیش از این در متن مقاله به آن‌ها اشاره شد، نمونه‌ای از ناآگاهی مسئولان تربیت از چگونگی تحقق تربیت جنسی و پایبند نبودن آن‌ها به مسائل اخلاقی است. به طور کلی چنین به نظر می‌رسد که ریشه بسیاری از مشکلات در حوزه تربیت جنسی، به این باز می‌گردد که اولین مؤلفه تربیت یعنی «تبیین»، به درستی تحقق نیافته است. از این رو افراد به معیار صحیحی دست نیافته و به رعایت نکاتی که نشان‌دهنده تربیت جنسی است، رغبتی نشان نمی‌دهند.

به عبارت دیگر، به تبع تحقق نیافتن «تبیین»، سایر مؤلفه‌های تربیت (ارائه معیار، تحرک درونی و نقادی) نیز تحقق نیافته است؛ زیرا وقتی متربی، فلسفه و چرایی عمل کردن یا عمل نکردن به کاری را درک نکند، به معیار درستی در عمل دست نمی‌یابد و از این رو، میل و رغبتی به انجام یا ترک فعل پیدا

نکرده و توانایی نقادی نیز در او رشد نخواهد کرد. چنین فردی نمی‌تواند صحنه‌های مطلوب را از نامطلوب تشخیص داده و رفتار و عملکرد مناسبی داشته باشد. برای رفع این معضل، باید عناصر تبیین، آنگونه که بایسته و شایسته است، تحقق یابد. یافته‌های پژوهش در بخش رسالت مسئولان تربیت نیز به این موضوع تأکید دارد که اگر همه مسئولان تربیت (تبیین‌کنندگان) به وظایف خود آگاه باشند و به آن‌ها عمل کنند، قطعاً دومین مؤلفه تربیت (ارائه معیار) برای مخاطب تحقق خواهد یافت و مخاطب می‌تواند بر اساس این معیارها، رفتارهای درست را برگزیند. راهکارهای ارائه شده برای تحقق تربیت جنسی در جامعه توسط افراد نمونه پژوهش نیز، مبتنی بر داشتن آگاهی در این زمینه، عمل به وظایف و وجود یک عزم همگانی برای ایجاد هماهنگی بین آموزه‌های خانه، مدرسه و جامعه است. لازم به ذکر است اکثریت قریب به اتفاق پژوهش‌های انجام شده در حوزه تربیت جنسی نیز به ضرورت تحقق عناصر تبیین در تربیت جنسی اشاره دارد و مؤید یافته‌های پژوهش حاضر است.

پژوهش «شیردل» (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که خانواده، نخستین و مهمترین عامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه جنسی نامشروع است؛ در حالی که والدین به عنوان نخستین مربیان فرزند خویش، باید روش‌های متناسب با هر بُعد از تربیت فرزند خود را شناخته و مطابق با همان روش‌ها عمل کنند. استفاده از روش‌های نادرست در این زمینه، از جمله کنترل سخت‌گیرانه و نبود تعامل مناسب میان والدین و فرزندان، از مهمترین عوامل کشیده شدن دختران به سوی ارتباط با جنس مخالف است (خلج آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹؛ خانزاده و همکاران، ۱۳۹۲). یافته‌های پژوهش واصفیان (۱۳۸۶) نیز مؤید این مطلب است که از میان عوامل متعدد، عوامل خانوادگی و فرهنگی، بیشترین تأثیر را بر انحرافات جنسی زنان دارد. از این رو آموزش و آگاهی دادن به افراد در راستای تقویت بنیان خانواده‌ها و بالا رفتن سطح آگاهی آن‌ها ضروری بوده و راهی برای پیشگیری از انحرافات جنسی است (اقلیدی‌نژاد، ۱۳۸۲). فرمهینی (۱۳۹۲ و ۱۳۸۳) این آگاهی‌بخشی را وظیفه مشترک خانه و مدرسه قلمداد کرده و راز تحقق تربیت جنسی را، هماهنگی بین عوامل عمده تربیتی یعنی خانواده، مدرسه و جامعه می‌داند. نکته دیگری که در تربیت جنسی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، ضرورت توجه به بحث زمان، محتوا و روش در تربیت جنسی است. مطابق با نتایج پژوهش فرمهینی (۱۳۸۲)، بهترین زمان برای تربیت، دوران کودکی و قبل از دبستان است. امینی و همکاران (۱۳۹۰) نیز گنجانیدن محتوا و تجارب یادگیری مرتبط با تربیت جنسی در دوره متوسطه را ضروری دانسته‌اند. فرمهینی (۱۳۸۳) به استفاده از روش‌های غیرمستقیم در آموزش با توجه به نیاز و محدوده سنی افراد تأکید دارد و بر این باور است که محتوای آموزشی باید به گونه‌ای باشد که به تقویت ملکه عفت و عزت نفس در دانش‌آموزان منجر شده و پیامدهایی چون پرده دری و تحریک زودهنگام غریزه جنسی را به دنبال نداشته باشد.

نتایج برخی پژوهش‌ها در ایران از جمله پژوهش فقیهی و همکاران (۱۳۸۷) نیز نشان می‌دهد که اغلب نوجوانان و جوانان از آگاهی کافی در این زمینه بی‌بهره هستند. از این رو آگاهی دادن به افراد از طریق خانواده‌ها و منابع مطمئن ضروری است؛ زیرا اگر این آموزش‌ها از طرق صحیح صورت نگیرد، فرد به سوی کسب اطلاع از منابع نادرست و چه بسا تقلید کورکورانه از همسالان خود کشیده می‌شود که اقلیدی‌نژاد (۱۳۸۲)، کشیده شدن نوجوانان به سوی تقلید از همسالان خود را از عوامل سوق‌دهنده به سوی انحراف جنسی می‌داند. یافته‌های این پژوهش و سایر پژوهش‌ها نشان از اهمیت تحقق عناصر تبیین به عنوان اولین مؤلفه تربیت دارد؛ به همین دلیل به مسئولان و برنامه‌ریزان توصیه می‌شود همه تلاش خود را برای تحقق این مؤلفه به کار ببندند.

Archive of SID

منابع

- اقلیدی نژاد، علی (۱۳۸۲)، «برزخ نوجوانی و طوفان جنسی»، *میلغان*، شماره ۴۸، صص ۶۹-۸۱
- امینی، محمد؛ تمنایی فر، محمدرضا؛ پشایی، رقیه (۱۳۹۰)، «بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان»، *دوفصلنامه پژوهش‌های برنامه درسی*، دوره اول، ش ۱، صص ۱۶۹-۲۰۲
- باقری خسرو (۱۳۷۹)، «تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم»، *مجله پژوهش‌های تربیت اسلامی*، ش ۳، صص ۱۳-۳۶
- باقری، خسرو (۱۳۸۸)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه پورکریمی، جواد (۱۳۹۰)، «نظریه داده بنیاد یا گراند تئوری»
- <http://jpkarimi.persianblog.ir>
- خانزاده عباسعلی، حسین؛ طاهر، محبوبه؛ سیدنوری، سیده زهرا؛ یحیی‌زاده، آیدا عیسی‌پور، مهدی (۱۳۹۲)، «رابطه شیوه تعامل والد - فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان»، *مجله اعتیادپژوهی*، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۵۹-۷۴
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده؛ مهریار، امیر هوشنگ (۱۳۸۹)، «بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران»، *خانواده‌پژوهی*، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۴۴۹-۴۶۸
- رهنما، اکبر علیین، حمید؛ محمدی، حسین (۱۳۸۶)، «بررسی و تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت جنسی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، *دانشور رفتار*، ش ۲۴، صص ۹۷-۱۱۰
- زنداونیان، احمد؛ شمشادی، صادق (۱۳۸۹)، «ابعاد و مراحل تربیت جنسی دختران و زنان از نظر اسلام»، *مجله مباحث بانوان شیعه*، ش ۲۵، صص ۶۵-۹۸
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ همایی، رضا؛ علیین، حمید (۱۳۸۶)، «بررسی تحلیلی سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران»، *مجله پژوهش‌های مشاوره*، ش ۲۱، صص ۲۷-۴۸
- سلحشور، ماندانا (۱۳۸۴)، «اهمیت تربیت جنسی کودکان و نوجوانان در خانواده»، *مجله پیوند*، ش ۳۱۵، صص ۴۰-۴۵
- سلیمی، مرجان؛ فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۹۱)، «بررسی اثربخشی آموزش جنسی به شیوه رفتاری شناختی بر دانش، خودابرازی و صمیمیت جنسی زنان متأهل شهرستان مبارکه»، *مجله پژوهش‌های نوین روانشناختی تبریز*، سال هفتم، ش ۲۸، صص ۱۰۵-۱۲۲

- شیردل، ملیحه (۱۳۸۵)، «عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی»، مجله رفاه/اجتماعی، ش ۲۲، صص ۱۴۸-۱۳۳
- علوی، سید حمیدرضا (۱۳۸۶)، نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی، کرمان: دانشگاه باهنر
- فرمپینی فراهانی، محسن (۱۳۸۲)، «تربیت جنسی با تأکید بر نقش مدرسه»، مجله رشد معلم، ش ۱۷۶، صص ۵۵-۵۹
- _____ (۱۳۸۳)، «محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه»، مجله دانشور رفتار، ش ۹، صص ۱۴-۱
- _____ (۱۳۸۷)، «نگاهی گذرا بر تربیت جنسی در مقاطع مختلف تحصیلی»، فصلنامه سلامت روان، ش ۱، صص ۲۸-۱۹
- _____ (۱۳۹۲)، «تربیت جنسی وظیفه مشترک خانواده و مدرسه»، مجله پیوند، ش ۴۱۰، صص ۲۰-۱۶
- فقیهی، علی نقی؛ شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم (۱۳۸۷)، «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روانشناختی»، مجله تربیت اسلامی، ش ۷، صص ۸۰-۵۱
- قاسمی، حمید محمد (۱۳۷۳)، اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی
- کشتی آرای، نرگس؛ فتحی و اجاره‌گاه، کوروش؛ زیمیتات، کرایگ؛ فروغی، احمدعلی (۱۳۸۸)، «طراحی الگوی برنامه درسی تجربه شده مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی و اعتبارسنجی آن در گروه‌های پزشکی»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۹ (۱)، صص ۶۷-۵۵
- کوچتکوف، و. د و لاپیک (۱۳۶۴)، روانشناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ترجمه محمد تقی راد، تهران: بنیاد
- نصیری، یوسف؛ جعفری، سید ابراهیم (۱۳۸۹)، «درآمدی بر مبانی تربیت جنسی در تربیت اسلامی»، مجله مطالعات اسلامی در علوم انسانی، سال اول، ش ۱، صص ۱۰۸-۱۰۱
- واصفیان، فرزانه (۱۳۸۸)، «شناسایی عوامل مؤثر بر انحرافات جنسی زنان از دیدگاه مردان و زنان»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۱، صص ۱۶۶-۱۴۵